

## انزو اطلبی دانش‌آموزان دبستانی و رابطه آن با ساخت خانواده

مقدمه

عزیزالله تاجیک اسماعیلی

در بسیاری از کلاسهای درسی دبستانها، کودکانی دیده می‌شوند که آرام، کمرو و خجالتی هستند. این کودکان در زندگی روزمره خود اغلب اوقات فقط با اعضای خانواده یا همسالان آشنا بازی می‌کنند و از غریبه‌ها اجتناب می‌ورزند. شرم و خجالت این کودکان ممکن است آنها را از اکتساب مهارتها و آمادگیهای لازم برای بسیاری از فعالیتهایی که همسالانشان از آن لذت می‌برند و یا اصولاً برای رشد شخصیت آنها ضروری است، باز دارد.

ارزیابی والدین و اولیای مدارس از این گروه کودکان متفاوت است. بعضاً آنها را دانش‌آموزانی بی‌آزار و خوب می‌شناسند و گاه ممکن است با حالت دلسوزانه به آنها بنگرند و یا این‌گونه رفتار آنها را غیر عادی تلقی کنند، لیکن در مقایسه با اختلالات رفتاری دیگر، کمتر اتفاق می‌افتد که این گروه کودکان (لااقل در سنین دبستانی) به عنوان موارد حادث مشکلات کلاس و مدرسه بر شمرده شوند و همین عدم توجه ممکن است زمینه پیدایش مشکلات روانی و رفتاری دیگری را برای آنان فراهم نماید. این‌گونه کودکان به‌طور کلی تحت عنوان کودکان انزو اطلب<sup>۱</sup> یا دارای حالت کناره‌گیری<sup>۲</sup> شناخته می‌شوند.

رفتار انزو اطلبی ممکن است از همان سالهای اولیه کودکی ظاهر شود. این رفتار به‌مانند دیگر اختلالات رفتاری کودکان گاه ممکن است صرفاً یک واکنش موقت به موقعیتهای نامطلوب و فشارهای محیط و به‌عبارت دیگر «موقتی و زودگذر»<sup>۳</sup> باشد. این‌گونه واکنش رفتاری در دوران طفولیت بیشتر مشاهده می‌شود و به‌علت پویایی سریع و ویژگیهای روانی — رفتاری کودکان قابل تغییر است و با از بین رفتن فشارهای محیطی، غالباً محو می‌شود. صورت دیگر، استفاده مکرر از این الگوی رفتاری و در نتیجه تثبیت آن به‌عنوان یک

«ویژگی منشی»<sup>۴</sup> یا خصیصه است. این شکل رفتار انزوطلبی است که بایستی مورد توجه والدین کودک و اولیای مدارس باشد. ضرورت این توجه از آن جهت است که رفتار انزوطلبی دانش‌آموزان می‌تواند اثرات نامطلوبی در پیشرفت تحصیلی و روابط اجتماعی آنان داشته باشد. این دانش‌آموزان ممکن است به‌خاطر بی‌علاقگی یا ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی با معلمان و همکلاسان از ابراز تواناییها و استعدادهای خود عاجز باشند، یا در نظر همسالان خود به‌صورت کودکانی غیر شایسته برای دوستی ارزیابی شوند و لذا در یک حلقه معیوب از کناره‌گیری اجتماعی قرار گیرند که منجر به تشدید اختلال آنان می‌شود. تحقیقاتی که دربارهٔ این کودکان انجام گرفته، وجود بعضی از این مشکلات را نشان می‌دهد.

بررسی عوامل احتمالی به‌وجود آورنده این نوع واکنش، به‌ویژه عوامل خانوادگی نیز حائز اهمیت است. کودکان دبستانی بیشترین میزان تأثیرات حاصل از روابط خانوادگی را در ابعاد مختلف نگرشها و مهارتهای اجتماعی از خود بروز می‌دهند و هر گونه اختلال یا ناتوانی در این رفتارها می‌تواند این سؤال را در ذهن به‌وجود آورد که ممکن است در ساخت و فضای خانوادگی آنان وضعیتی غیر عادی وجود داشته باشد. هر گونه اقدام مدرسه در جهت تغییر رفتار این کودکان مستلزم به‌دست آوردن تصویری واقعی از وضعیت رفتاری و تحصیلی این کودکان در مدرسه و نیز روابط خانوادگی آنهاست و در این راه حساسیت و توجه والدین کودک و اولیای مدرسه بایستی بیش از هر فرد دیگری باشد. ولی آیا به‌راستی چنین است؟ آیا والدین کودک و به‌خصوص اولیای مدارس که مسئولیت اولیه و رسمی را در تأمین زمینه‌های رشد شخصیت و تأمین سلامت روانی او به‌عهده دارند چنین وقوف و حساسیتی را نسبت به کودکان انزوطلب و گوشه‌گیر دارند یا خیر؟ پاسخ قطعی به این سؤال محتاج انجام پژوهشهای دقیق و حساب شده است. آنچه در این تحقیق مورد نظر بوده است، با توجه به ضعف زمینه‌های پژوهشی که در جامعه ما وجود دارد، گام مقدماتی و اولیه‌ای است به‌منظور شناساندن بعضی از ابعاد رفتار انزوطلبی در بین دانش‌آموزان دبستانی و کندوکاوی در ویژگیهای خانوادگی آنان به‌منظور فراهم آوردن امکان جهت‌گیریهای نظری و انجام پژوهشهایی دربارهٔ عوامل احتمالی که در بروز این نوع واکنش رفتاری کودکان مؤثر می‌باشد.

دو انگیزه اساسی محقق را به‌پژوهش تحت این عنوان وا داشت. نخست حساسیت و اهمیت موضوع با توجه به گزارشات متعدد و متفرقه مربیان پرورشی مدارس درباره این دانش‌آموزان و درخواست اطلاعات بیشتر دربارهٔ آنها و شیوه‌های برخورد با این مشکل و دوم توجه به نقشی که خانواده در فراهم کردن الگوهای رفتاری مختلف از راه تقلید و پاداش و تنبیه در کودکان ایفا می‌کند. اهمیت چنین امری محتاج توضیح بیشتر نیست که هر گاه در جهت شناسایی ریشه‌های احتمالی رفتارهای خود قبل از بررسی هر محیط دیگر از خانواده شروع

## موضوع تحقیق

موضوع تحقیق حاضر «بررسی رفتار انزواطلبی دانش‌آموزان دبستانی و رابطه آن با ساخت خانواده در مدارس پسرانه مناطق بیست‌گانه شهر تهران» می‌باشد. منظور از رفتار انزواطلبی در این پژوهش، رفتاری است که در نتیجه آن کودک از برقراری ارتباط با دیگران به‌ویژه افراد ناآشنا و غیر فامیل خودداری می‌کند و به‌صورت افراطی سعی در جدایی و گریز از آنها دارد. در فعالیتهای گروهی همکاری و تعامل معمولی را ندارد، از شرکت در بازیهای دسته‌جمعی احتراز می‌نماید، کمتر سعی به برقراری رابطه کلامی با دیگران دارد و در بیان و ابراز خواسته‌ها و نظرات خود کفایت لازم را ندارد.

## اهداف و سؤالات تحقیق

در این تحقیق دو هدف کلی مدنظر بوده است:

الف - دسترسی به آمار کمی و ارائه مفهومی جامع از رفتار انزواطلبی و خصوصیات بالینی دانش‌آموزان انزواطلب در جامعه ایران (با توجه به ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی که تظاهرات یک رفتار را در موقعیتهای مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد).

ب - بررسی اثرات احتمالی ساخت و روابط خانواده در شکل‌گیری اختلال رفتاری انزواطلبی کودکان. و ارتباط با اهداف مذکور، سؤالات زیر در این پژوهش مطرح شده‌اند:

۱ - فراوانی رفتار انزواطلبی در دانش‌آموزان پسر دبستانهای شهر تهران (در مقایسه با سایر اختلالات رفتاری)<sup>۵</sup> چه وضعیتی دارد؟

۲ - خصوصیات رفتاری دانش‌آموزان انزواطلب چیست؟

۳ - وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان انزواطلب چگونه است؟

۴ - دانش‌آموزان انزواطلب از چه خصوصیات در ساخت و روابط خانوادگی

برخوردارند؟

## پیشینه‌ها (سوابق) تحقیق

در زمینه وضعیت کودکان گوشه‌گیر و انزواطلب مطالعات متعددی صورت گرفته است. پژوهشهایی که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود بعضی از ویژگیهای روانی و اجتماعی این کودکان را نشان می‌دهد.

در تحقیقی بر روی ۴۰۷ کودک ۳ تا ۶ ساله، توانایی اجتماعی و علائم رفتاری آنها مورد

مطالعه قرار گرفت<sup>۶</sup> نتیجه به دست آمده نشان داد که دو عامل اساسی در بین سایر عوامل بیش از ۵۰٪ واریانس جمعی را به خود اختصاص دادند. این دو عامل عبارت بودند از بی احساسی و کناره گیری<sup>۷</sup> و نارضایتی و مخالفت.<sup>۸</sup> صد نفر از این کودکان در مرحله دبستانی نیز مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفتند و ملاحظه شد کودکان دارای ویژگیهای مذکور در مرحله دبستان نیز این مشکل را کمابیش دارا می باشند.

در مطالعه دیگری بر روی کودکان ۷ تا ۱۲ ساله، انحرافات رفتاری آنان مطالعه شد.<sup>۹</sup> یکی از نتایج تحقیق این بود که در مسائل رفتاری کودکان، مسئله اساسی شکست در یادگیریهای اجتماعی است. همچنین مشاهده شد واکنش پسران در مواقع شکست بیشتر پرخاشگری و واکنش دختران کناره گیری و انزوا است.

در تحقیقی تحت عنوان «انزواطلبی اجتماعی و حل مسائل اجتماعی» تعدادی از اطفال کودکانستانی در دو نوبت با فاصله یکسال، در هنگام بازی مورد مشاهده واقع شدند.<sup>۱۱</sup> محققین به این نتیجه رسیدند که فراوانی بازیهای اجتماعی کودکان یا توانایی حل مسائل اجتماعی آنان همبستگی مثبت دارد، در حالی که فراوانی بازیهای انفرادی ارتباط منفی با شایستگی اجتماعی نشان می داد.

در پژوهش دیگری واکنشهای همسالان نسبت به دانش آموزان افسرده در ۷۰ دانش آموز پسر و ۹۳ دانش آموز دختر کلاسهای سوم تا ششم دبستان مطالعه شد.<sup>۱۱</sup> نتیجه کلی پژوهش مذکور آن بود که کودکان نسبت به همکلاسان افسرده خود به صورت منفی واکنش نشان می دهند. کودکان افسرده کمترین علاقه همسالان را به خود جلب می کنند، جذابیت کمی دارند و رفتار کنونی و آینده آنها کمتر مثبت تلقی می شود.

## روش و ابزار پژوهش

در تحقیق حاضر از روش توصیفی زمینه یاب (پیمایشی)<sup>۱۲</sup> استفاده شده است. جامعه تحقیق دانش آموزان پسر کلاسهای سوم تا پنجم دبستانهای مناطق بیست گانه تهران بودند<sup>۱۳</sup> برای انتخاب نمونه مورد نظر ابتدا پرسشنامه ای برای مدرسی که مربی تربیتی داشتند ارسال شد و بر اساس آن دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری و از جمله انزواطلبی گزارش گردید.<sup>۱۴</sup> به دنبال آن از هر مدرسه یک کودک انزواطلب برای مطالعه برگزیده شد. مجموعه موارد انزواطلبی گزارش شده از مدارس در مرحله اول ۷۷۱ نفر بود و در مرحله دوم از این تعداد ۱۱۵ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند.

انتخاب نهایی آزمودنیها به این صورت بود که پس از دریافت گزارش موارد انزواطلبی (و اختلالات رفتاری دیگر)، از هر مدرسه یک دانش آموز به انتخاب مربی تربیتی برای مرحله

دوم برگزیده شد. مربیان و نیز معلمان کلاس، پس از آموزش توجیهی، ظرف ۳ هفته (پس از سه ماه از دریافت اولین گزارش از مدرسه) در پنج موقعیت<sup>۱۵</sup> آزمودنیها را مورد مشاهده منظم قرار دادند و سپس خصوصیات روانی و رفتاری آنان را توسط مقیاسهای درجه بندی ارزیابی نمودند. آزمودنیهای نهایی بر اساس اشتراک نظر معلم و مربی در حداقل ۳ مورد از ویژگیهای انزواطلبی انتخاب شدند. تعدادی از آزمودنیها نیز به دلیل عدم امکان همکاری معلم یا مربی در این مرحله حذف شدند و نهایتاً ۶۵ آزمودنی مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

### روشهای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای جمع آوری داده‌ها در این تحقیق از پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه (نیمه منظم و منظم) و آزمونهای استاندارد (هوش و شخصیت) استفاده شد.

روش پرسشنامه برای گزارش موارد اختلال رفتاری و ویژگیهای دانش آموزان انزواطلب به کار رفت. مشاهده نیمه منظم برای شناسایی آزمودنیها در مرحله اول و مشاهده منظم در مرحله دوم توسط مربی و معلم کلاس برای انتخاب نهایی آزمودنیها مورد استفاده قرار گرفت.

مصاحبه نیمه منظم به منظور دریافت اطلاعات کلی مربوط به وضعیت خانوادگی آزمودنیها به کار رفت و از مصاحبه منظم با مادر دانش آموز درباره روابط خانوادگی استفاده به عمل آمد. برای بررسی سطح هوش دانش آموزان از آزمون ماتریسهای پیشرونده ریون (فرم دوم) استفاده شد. خصوصیات شخصیتی پدران نیز توسط آزمون چند جنبه‌ای شخصیتی مینه سوتا،<sup>۱۶</sup> فرم کوتاه ۷۱ سوآلی بررسی شد.

جهت تجزیه و تحلیل دادهها، روشهای آمار توصیفی و استنباطی به کار گرفته شدند. شاخصهای توصیفی فراوانی نسبی، درصد میانگین و انحراف استاندارد، میزان همبستگی و شاخصهای آمار استنباطی خی رو<sup>۱۷</sup> (و برای مقایسه قضاوتهای مربیان و معلمان) و ضریب همبستگی مجاورتی<sup>۱۸</sup> (برای محاسبه میزان همبستگی بین نظرات معلم و مربی) و آزمون استودنت جهت مقایسه تفاوتهای بین سه ناحیه شمال، مرکز و جنوب تهران مورد استفاده قرار گرفتند.

### یافته‌های تحقیق

#### الف - فراوانی رفتار انزواطلبی:

میزان رفتار انزواطلبی مشاهده شده در نمونه مورد بررسی در کل ۱۰/۲۱ در هزار بود.

این نسبت پس از رفتار پرخاشگرانه که فراوانی ۱۱/۲۸ در هزار داشت، بیشترین فراوانی را در بین مشکلات رفتاری دانش آموزان دارا بود. توزیع رفتار انزواطلبی در کلاسهای سوم، ۱۰/۴۲، چهارم ۱۰/۲۵ و پنجم ۹/۲۷ در هزار بود.

رفتار انزواطلبی در کل ۲۱/۱۱٪ اختلافات رفتاری گزارش شده را شامل می‌شد. بین نواحی شمال و جنوب تفاوت معنی‌داری از نظر میزان رفتار انزواطلبی وجود نداشت، لیکن تفاوت بین ناحیه مرکز با دو ناحیه مذکور از نظر آماری معنی‌دار بود.

### ب - خصوصیات رفتاری دانش آموزان انزواطلب

خصوصیات روانی و رفتاری آزمودنیها در چند جنبه مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از: وضعیت ظاهری، تواناییها و استعدادهای ذهنی، وضعیت عاطفی و روانی، روابط اجتماعی، بازی، ارزیابی دوستان و همکلاسیها نسبت به آنها، روابط اولیای مدرسه و معلمان و نحوه رفتار آنان با آزمودنیها و فعالیتهای فوق برنامه و پرورشی. نتایج به‌دست آمده به قرار ذیل بود:

#### ۱ - وضعیت ظاهری

— میزان جذابیت، قدرت جسمانی، قد، نظم در کارها، پاکیزگی و نظافت در مقایسه با همسالان و همکلاسان معمولی و متوسط.

#### ۲ - تواناییها و استعدادهای ذهنی

— خلاقیت و ابتکار، سرعت انتقال مطالب، استعداد کتابت و نویسندگی ضعیف.  
— حافظه، دقت، قدرت یادگیری، استعداد ریاضی، قدرت خواندن، استعداد علوم تجربی و طبیعی در حد متوسط.

#### ۳ - وضعیت عاطفی و روانی

— حالت خودنمایی، احساس پیروزی و قدرت و عیب‌جویی از دیگران به میزان ضعیف (کم).  
— احساس شکست و ناامیدی، صبر و استقامت در کارها، احساس بی‌کفایتی، نایمی، مخفی کردن عیب خود به میزان متوسط یا زیاد.

#### ۴ - روابط اجتماعی

— استقلال و خودمختاری، احساس سوء ظن نسبت به دیگران، روابط متقابل با شاگردان

کوچکتر از خود به میزان کم.

## ۵ - بازی

- آزمودنیها در بازیها شرکت می‌کردند (۷۴٪)
- این بازیها معمولاً انفرادی بود (۵۴٪)
- در بازیهای گروهی رفتار انفعالی داشتند (۶۸/۵٪)
- معمولاً ترجیح می‌دادند بازی را نیمه‌کاره رها کنند (۵۵٪)

## ۶ - ارزیابی دوستان و همکلاسیها

- در این باره فقط می‌توان گفت آزمودنیها در نظر همکلاسان افراد برجسته و برتر به نظر نمی‌رسیدند و آنها در کارهایشان نیز از آزمودنیها کمک نمی‌گرفتند.

## ۷ - روابط با معلمان و اولیای مدرسه

- آزمودنیها در کلاسهای درس غالباً سؤال (و مشارکت) نمی‌کردند (۷۷٪)
- تکالیف درس خود را به دقت انجام می‌دادند (۵۹٪)
- اولیای مدرسه نیز غالباً به نصیحت آنان پرداخته، سعی داشتند آنها را در تعامل و ارتباط با دیگر شاگردان قرار دهند (۵۶٪)

## ۸ - فعالیتهای فوق برنامه پرورشی

- گرایشهای مذهبی معمولی و متوسط
- فعالیتهای پرورشی (کتابخوانی، علاقه هنری، شرکت در برنامه‌های اردوئی) در مقایسه با دیگر شاگردان ضعیف.

## ج - وضعیت تحصیل آزمودنیها

- میانگین سنی آزمودنیها ۱۱/۰۳ سال ( $S = 1/93$ ) بود.
- معدل نمرات درسی سال قبل آنها ۱۵/۶۱ ( $S = 2/23$ ) و بهره هوشی آنان ۱۰۴/۷۵
- $S = 17/84$ ) بود. همبستگی بین معدل نمرات درسی و بهره هوشی معنی‌دار بود ( $P < 0/01$ ).
- ۵۲/۳٪ آزمودنیها تا هنگام تحقیق بدون تجدیدی درسی بودند و ۳۰/۸٪ آنها یک بار تجدیدی داشتند. همچنین ۶۲/۵٪ آنان بدون مردودی و ۲۵٪ آنان یک بار مردود شده بودند.
- در سه ماهه اول سال تحصیلی ۶۴٪ آنها بیش از ۹ روز غیبت از مدرسه داشتند.

## د - ساخت و روابط خانوادگی آزمودنیها

- ۱ - بررسی ساخت کلی خانواده، وجود این ویژگی‌ها را نشان داد:
  - ساخت کلی خانوادهها آسیب نشان نمی‌داد و به جز مورد نامشخص، در کلیه موارد آزمودنیها با پدر و مادر خود زندگی می‌کردند.
  - میانگین سن پدران ۴۲/۴ و سن مادران ۳۴ سال بود.
  - معدل تحصیلات پدر ۴/۵ و مادر ۳/۵ کلاس بود.
  - تعداد فرزندان خانوادهها به‌طور متوسط بین ۵ و ۶ بود.
  - در ۳۳/۳٪ موارد بین پدران و مادران نسبت فامیلی وجود داشت.
  - ۲۹٪ آزمودنیها فرزند اول و ۲۷٪ فرزند دوم خانواده و بقیه فرزند سوم به بعد بودند.

## ۲ - وضعیت اقتصادی

- پدران با میانگین حدود ۹/۵ ساعت کار روزانه درآمدی حدود ۵۲۰۰۰ ریال داشتند.
- بیش از ۹۰٪ مادران خانه‌دار بودند.
- خانوادهها در ۷۶٪ موارد مسکن شخصی داشتند.

## ۳ - موقعیت اجتماعی

- بافت خانوادهها غالباً مذهبی و سنتی - مذهبی بود.
- میزان معاشرت آنها با دیگران در حد متوسط و بیشتر با فامیلها و بستگان بود (۷۶٪).
- در ۳۰٪ خانوادهها زبان مورد تکلم غیرفارسی بود.
- ۷۵٪ خانوادهها بیش از یکبار تغییر محل سکونت داشته‌اند.

## ۴ - وضعیت و سوابق بهداشتی کودک

- در ۵۰٪ موارد تولد آزمودنیها ناخواسته و با عدم تمایل مادران بوده است.
- ۴۲٪ آزمودنیها قبل از یکسالگی و ۷۲٪ آنها قبل از پنج سالگی سابقه بیماری جسمی جدی داشته‌اند.
- رشد گویایی آزمودنیها در ۲۴/۶٪ به نوعی اختلال از قبیل لکنت، نوک زبانی حرف زدن و فقدان مخارج حروف داشت.

## ۵ - خصوصیات روانی رفتاری آزمودنی در خانواده:

- معمولاً تکالیف درسی خود را بدون نیاز به تذکر انجام می‌دادند (۵۴٪).



— اکثر قریب به اتفاق آنها (۹۴/۵٪) ترس از یکی از اعضای خانواده داشتند. این ترس غالباً از پدر بود (۶۲٪).

— آزمودنیها در کارهای خود غالباً از مادر درخواست کمک و مشورت می نمودند (۶۲٪).  
— نوع بازیهای آنها در خانه غالباً غیرانفرادی بود (۶۸٪). وضعیت گذشته آنان نیز این حالت را نشان می داد.

— ۳۹٪ آزمودنیها به تنهایی علاقه مند بودند. وضعیت گذشته آنان نیز در ۴۳٪ موارد چنین وضعیتی را نشان می داد.

#### ۶ — تعارضات رفتاری فرزندان

— بین فرزندان در ۸۰٪ موارد نزاع و کشمکش گزارش شده و آزمودنیها نیز در این نزاعها دخالت داشته اند.

— طرف نزاع آزمودنیها در ۵۵٪ موارد خواهر یا برادر کوچکتر از خود او بوده است.

— شروع کشمکش در ۶۸٪ موارد با فرزندان دیگر و واکنش آزمودنیها نیز غالباً عقب نشینی بوده است (۷۷٪).

#### ۷ — الگوهای رفتاری والدین

— والدین نسبت به فرزندان، میزان کمی تشویق کنندگی داشتند (در ۶۰٪ موارد) تشویقها به وسیله پدر و به صورت زبانی انجام می گرفته است (۷۳٪).

— حالت تنبیه کنندگی غالباً وجود داشته (۸۶٪) که به وسیله پدر و مادر انجام می شده. علت تنبیه نیز اغلب مسائل درسی (درس نخواندن) بوده است (۶۴٪).

#### ۸ — ارزیابی والدین از وضعیت رفتاری آزمودنی

— آزمودنیها در ۴۴٪ موارد توسط والدین گوشه گیر و کمرو و در ۱۶٪ موارد زودرنج و حساس توصیف شده اند. شدت این صفات اغلب زیاد گزارش گردیده (۷۰٪).

— در ۴۹٪ موارد والدین آزمودنیها را بهتر از بقیه فرزندان ارزیابی کرده اند.

— به نظر والدین اغلب آزمودنیها (۷۱٪) از نظر درسی متوسط یا ضعیف بوده اند.

#### ۹ — خصوصیات شخصیتی پدران

— بررسی نیمرخ روانی پدران در اجرای آزمون M. M. P. T نشان داد که در ۱۶/۷٪ آنها تمایلات نوروتیک و در ۱۴٪ تمایلات سایکوتیک و در ۸٪ زمینه های اختلالات شخصیتی وجود دارد.

## تجزیه و تحلیل نتایج

### الف - فراوانی رفتار انزواطلبی

با توجه به آمار به دست آمده از فراوانی اختلال رفتاری انزواطلبی این نکته که واکنشهای کناره گیری و مخالفت دو سر طیف رفتارهای غیر عادی کودکان را تشکیل می دهند (تحقیق کان و روزمن) تأیید گردید.

مقایسه فراوانی رفتار انزواطلبی با پرخاشگری در پسران با توجه به تحقیق میلر و همکاران وی قابل تأمل است. در تحقیق مذکور نشان داده شد که در مقابله با شکستها، پسران بیشتر از الگوهای پرخاشگری و دختران از واکنش کناره گیری استفاده می کنند. در تحقیق حاضر اختلالات رفتاری دختران بررسی نشده، لیکن فراوانی نزدیک رفتار انزواطلبی در مقایسه با پرخاشگری از این نظر که استفاده از چنین واکنشی در پسران غیر منتظره به نظر می رسد، قابل توجه است.

نکته دیگری که در زمینه فراوانی رفتار انزواطلبی باید مورد توجه باشد، وجود تفاوت بین ناحیه مرکزی با دو ناحیه شمال و جنوب تهران است. این تفاوت لزوم توجه به تفاوت‌های موجود در ساخت و روابط خانوادگی را در این نواحی مطرح می سازد که می تواند مورد بررسی و تحقیق جدی و دقیق واقع شود.

### ب - خصوصیات روانی - رفتاری و وضع تحصیلی آزمودنیها

با توجه به داده‌های به دست آمده درباره ویژگیهای روانی - رفتاری آزمودنیها، در مقایسه با تحقیق پترسون و مولینز این نکته تأیید شد که کودکان منزوی ممکن است علاقه و توجه کمی را در بین همسالان خود به دست آورند. در تحقیق حاضر ملاحظه شد که دانش آموزان دیگر با تعامل با کودکان منزوی علاقه چندانی نشان نمی دهند و این کودکان در روابط اجتماعی مدرسه وضع مبهم و مغشوشی دارند.

گزارش مربیان و معلمان مبنی بر وجود میزان کم سرعت انتقال مطالب و خلاقیت و ابتکار در این دانش آموزان، نیز این نکته را که واکنش انزواطلبی اجتماعی ممکن است بر استعدادها و ذهنی کودکان تأثیر منفی بگذارد مطرح می سازد.

نکته دیگری که درباره وضعیت روانی - رفتاری آزمودنیها حائز اهمیت است نشانه‌های ضعف در عزت نفس و اطمینان به خود می باشد که در میزان کم احساس پیروزی و قدرت خودنمایی و انتقاد از دیگران ملاحظه می شود. در مقابل این دانش آموزان به وسیله معلمان افرادی توصیف شده اند که احساس بی کفایتی، شکست و نومیذی زیادی را دارند. با وجود این ویژگی به نظر می رسد این دانش آموزان از نسطر وضع درسی و انجام تکالیف از وضع مطلوبی

برخوردارند. بهره هوشی، معدل دروس و همچنین ارزیابی معلمان و مربیان از آنها (که تکالیف خود را به خوبی و بدون نیاز به تذکر انجام می‌دهند) مؤید این نکته است.

### ج - ساخت و روابط خانوادگی

در هیچ یک از موارد، آسیب کلی در ساخت خانوادهها از قبیل فقدان یا غیبت طولانی پدر یا مادر دیده نشد. از این نظر وضعیت خانوادهها عادی است و شواهدی دال بر تأیید این نظر که حالت افسردگی یا گوشه‌گیری ممکن است ناشی از فقدان یا مرگ والدین باشد موجود نیست.

ویژگی کلی خانوادهها، اشتغال پدر به کارهای جزء و ساده و عدم تساوی در تصمیم‌گیری در امور خانه بین دو همسر است. اعضای خانواده عمدتاً از پدر تبعیت می‌کنند. تحصیلات والدین اندک و تعداد فرزندان نسبتاً زیاد است. این وضعیت می‌تواند عاملی برای پایین بودن سطح مهارت‌های اجتماعی برای کودک باشد. کودک در خانواده به‌خوبی نمی‌آموزد که در موقعیتهای اجتماعی چگونه رفتار کند و لذا اجتناب از روابط با هم سن و سالان را به عنوان یک روش کاهش اضطراب حاصل از تکامل‌های اجتماعی ناموفق خود برمی‌گزیند.

موضوع فقدان زمینه‌های یادگیری اجتماعی کافی از بررسی بعضی خصوصیات دیگر خانواده نیز قابل تأیید است. پدران به‌طور متوسط بیش از ۹ ساعت برای کار، بیرون از خانه هستند، یعنی قسمت اعظم اوقات روز را که کودک برای یادگیری الگوهای رفتاری فرصت دارد. در حدود یک سوم خانوادهها وجود نسبت فامیلی بین پدر و مادر را نشان می‌دهند و با توجه به وجود زبان غیر فارسی در یک سوم خانوادهها، این نکته محتمل است که روابط اجتماعی خانواده‌ها محدود به فامیلها و آشنایان و دارای نوع محدودیت و فقدان تنوع و گستردگی باشد که می‌تواند زمینه‌های یادگیری مهارت‌های لازم اجتماع را برای فرزندان از بین ببرد.

تأثیر تغییر محل سکونت در بیش از سه چهارم خانوادهها نیز از این جهت قابل توجه است. این داده‌های نتایج تحقیق گاتمن و گونزو وراسموسن و نیز تحقیق میلر را تأیید می‌کند که اختلال حاصل نتیجه شکست در یادگیریها و فقدان مهارت اجتماعی کافی می‌باشد.

تأیید وجود تمایلات نورو تیک، سایکوتیک یا اختلالات شخصیتی در حدود ۳۹٪ پدران نیز نظریه مبنی بر اینکه بین والدین و کودکان و نوجوانان دارای اختلال رفتاری ارتباط وجود دارد تأیید می‌کند. طبق نظریه یادگیری اجتماعی، وجود اختلال رفتاری و شخصیتی پدر و نقش‌پذیری فرزندان (پسر) ایجاد اختلال می‌نماید و به بیان دیگر فرزندان (پسر) نمی‌توانند رفتارهای اجتماعی مورد نیاز را مطابق با الگوی رفتاری طبیعی و بهنجار در پدر بیاموزند و این امر زمینه‌های اختلالات رفتاری در آنها را فراهم می‌سازد.

نکته قابل توجه دیگر، وجود شواهد مبنی بر احساس عدم امنیت در روابط کودک- مادر است. عدم تمایل به بارداری و بیماریهای دوران کودکی آزمودنیها، دادههایی هستند که مؤید این نظریه می‌باشند که اختلال در روابط عاطفی کودک با مادر ایجاد اضطراب اساسی<sup>۱۸</sup> در کودک می‌نماید که باعث ایجاد احساس منزوی شدن، بیچارگی و بی‌پناهی در وی می‌گردد. روابط خانوادگی آزمودنیها نوعی تسلط پدر مآبانه را نشان می‌دهد که در روند طبیعی و سالم همانندسازی پسر با پدر ایجاد اختلال می‌کند. به این صورت که ترس در مقابل پدر باعث اجتناب کودک از نزدیک شدن به وی می‌گردد و به جای آن ممکن است به مادر پناه ببرد و مسائل و مشکلات خود را با او در میان بگذارد و به وی وابستگی پیدا کند. دادههای تحقیق نیز اجازه چنین حدس را می‌دهند.

بین فرزندان در خانواده تعارضات رفتاری و کشمکش به میزان زیادی دیده می‌شود و علاوه بر آن الگوی تنبیه کنندگی نیز در والدین وجود دارد. این کشمکش‌ها باعث می‌شود آزمودنیها در موقعیتهای مذکور بیشتر خود را کنار بکشند و عقب‌نشینی کنند. کودک ممکن است استفاده از الگوی عقب‌نشینی را به خاطر رهایی از فشارهای حاصل از تعارضات و نزاعهای خانوادگی بیاموزد و در موقعیتهای دیگر از قبیل مدرسه نیز از آن استفاده کند.

ارزیابی والدین از آزمودنیها نیز در عین حال که حاکی از مقبولیت و پذیرندگی آنها در مقابل والدین می‌باشد، چون توأم با قبول کودک به عنوان فردی ساکت، آرام و گوشه‌گیر است، می‌تواند حاکی از این باشد که آنها وجود این الگوی رفتاری وی را تقویت کرده یا لاقبل به عنوان یک الگوی مورد تأیید می‌پذیرند. این امر باعث تثبیت الگوی رفتاری مذکور در مدرسه و موقعیتهای دیگر بیرون از خانواده می‌شود و در نتیجه آن کودک به نوعی سازگاری اجتماعی مورد تأیید خانواده دست می‌یابد که در عین حال معیوب است. نکته اخیر نتایج تحقیق میلر را مبنی بر اینکه اختلال رفتاری کودک توسط والدین کمتر به صورت یک مشکل تلقی می‌شود تأیید می‌کند.

## پیشنهادات

با ذکر مجدد این نکته که پژوهش حاضر در راه شناخت و ویژگیهای دانش‌آموزان مشکل‌دار، صرفاً یک گام مقدماتی است، ارائه پیشنهاداتی چند ضروری به نظر می‌رسد. شایسته است گامهای تکمیلی در شناسایی ویژگیها و علل اختلالات رفتاری کودکان برداشته شود. از جمله این گامها، مطالعات دقیق به منظور یافتن علل مرتبط با خانواده و مدرسه و انجام پژوهشهایی بر روی دانش‌آموزان پسر و دختر در کلیه مقاطع تحصیلی در مناطق مختلف کشور می‌باشد که ضمن ارائه تصویری جامع از مسائل رفتاری کودکان و نوجوانان کشور، اقدام

متناسب برای حل آنها را امکان‌پذیر می‌سازد.

مطالعه در زمینه ساخت و روابط خانواده وقتی کاملتر است که با توجه به تأثیر رفتار و شخصیت مادران بر روی کودکان در سالهای اولیه کودکی، خصوصیات روانی و شخصیت و روابط آنان با فرزندان مورد بررسی دقیقتر قرار گیرد و لذا انجام پژوهشهایی در این زمینه ضروری است.

پژوهشهای دقیق و علمی در زمینه جنبه‌های مختلف تأثیر کلاس و مدرسه نیز حائز اهمیت است. مدرسه، اگر چه ممکن است منشأ پیدایش مشکلات روانی دانش‌آموزان نباشد، لیکن در تشدید یا لااقل تثبیت آنها اثرات جدی دارد. فراهم آوردن زمینه‌های هدایت و اتخاذ تدابیر مناسب برای تأمین سلامت رفتاری دانش‌آموزان مستلزم انجام تحقیقاتی است که کیفیت تأثیر عوامل مؤثر بر رفتار کودکان در مدرسه را روشن کند.

تأمین شرایط لازم برای رشد روانی و شخصیتی شاگردان نیازمند آن است که در برنامه‌ریزیهای آموزشی و پرورشی توجه جدی به این امر مبذول گردد. در حال حاضر با وجود آنکه مربیان پرورشی در مدارس حضور جدی دارند، ضمن تذکر وجود ضعفهای اساسی در برنامه‌های پرورشی سنین ابتدایی و با توجه به اهمیت نقش برنامه‌های پرورشی مدارس در سلامت و رشد شخصیت دانش‌آموزان، جدیدیت و تلاش گسترده‌تر از وضع کنونی لازم است. وزارت آموزش و پرورش باید برای تأمین مربیان و مشاوران تربیتی برای کلیه مدارس و به‌ویژه اقدام برای آموزشهای مطلوب به آنان در امر پرداختن به مسائل تربیتی در متن ساعات هفتگی مدارس و اختصاص اوقاتی برای انجام فعالیتهای متنوع و اصولی پرورش تلاشهای جدی و فراتر از اقدامات صوری به عمل آورد.

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



زیرنویسها:

1 - Isolate

2 - With drawal

3 - Transitional

4 - Characteristic Trait

۵ - مشکلات رفتاری دیگر که فراوانی آنها مورد بررسی قرار گرفت عبارت بودند از: پرخاشگری، حساسیت و زودرنجی، دروغگویی، ترس، انحراف جنسی، فرار از مدرسه، دزدی و اعتیاد.

6 - Kohn and Rosman (1972 - 1973)

7 - Apathy - Withdrawal

8 - Anger - Defiance

9 - Miller, Hamp and Nable (1973)

10 - Rubin, Daniels and Brean (1984)

11 - Peterson, Mullins and Johnson (1985)

12 - Survey study

۱۳ - دانش‌آموزان کلاسهای اول و دوم با این فرض که گوشه‌گیری آنان عمدتاً واکنش نسبت به شرایط زودگذر محیط و مدرسه و به دلیل ناآشنایی آنها با فضای اجتماعی دبستان و اشکال در برقراری روابط اجتماعی متعادل با شاگردان دیگر می‌باشد، از این مطالعه حذف شدند.

۱۴ - دانش‌آموزان مورد بررسی جمعاً ۶۰۴۱۵ نفر در کلاسهای سوم تا پنجم بودند.

۱۵ - موقعیت‌ها عبارت بودند از کلاس، زنگ ورزش، زنگ تفریح، برنامه‌های صبحگاهی و اوقات مناسب دیگر.

16 - M. M. P. I

17 - Chi - Square

18 - Contingency - Sufficient



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



منابع:

- ۱ - اخوت، ولی‌اله و دانشمند، لقمان: ارزشیابی شخصیت - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۴
- ۲ - راجرز، دوروتی: روان‌شناسی کودک، ترجمه غلامعلی سرمد - انتشارات مدرسه عالی پارس ۱۳۵۷
- ۳ - شاملو، سعید: آسیب‌شناسی روانی - انتشارات چهر ۱۳۶۴
- ۴ - نادری، عزت‌اله و سیف نراقی، مریم: روش‌های تحقیق در علوم انسانی - انتشارات بدر ۱۳۶۴
- 5 - Apter - Steven J: Troubled children - oxford - pergamon - 1983
- 6 - Davison and Neale: Abnormal Psychology - john wiley and sons Inc - 1982
- 7 - Endlor. Norman S: Personality and Behavioral Disordes New york - wiley - 1984
- 8 - Garnezy, Narman s and Rutter Michael: Stress, coping and development in childrn - Mc GrowHill - 1983
- 9 - Rass Alon. o: Psychological Disorders of children Mc Graw Hill - 1980
- 10 - Siegle. Sidney: Nonparametric statistic for the Behavioral scienu Mc Graw Hill - 1957